

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۳۱ فروردین ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۵ شعبان ۱۴۴۱

جلسه: ۳۷

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: حکم جبیره مستوعبة

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۹۶ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، اگر جبیره تمام یک عضو را فرا گرفته باشد، ظاهر این است که احکام جبیره در رابطه با آن جاری خواهد شد و اگر جبیره تمام اعضا را فرا گرفته باشد اجرای احکام جبیره در رابطه با آن مشکل است، پس احتیاط به جمع بین وضوی جبیره‌ای و تیمم ترک نمی‌شود. عرض شد که مقتضای نص و فتوا این است که اگر جبیره تمام یک عضو را فرا گرفته باشد، همان احکام جبیره که قبلاً ذکر شد در رابطه با آن جاری می‌شود، هرچند که مرحوم آیت الله خویی (ره) در رابطه با همین فرض سخنی دارد که به آن اشاره خواهد شد، اما اگر جبیره تمام اعضای وضو را فرا گرفته باشد نظر مرحوم سید (ره) این است که باید بین وضوی جبیره‌ای و تیمم جمع شود چون معتقد است که اخبار جبیره از این فرض منصرف است، یعنی نمی‌توان به وضوی جبیره‌ای اکتفا کرد لذا چون اخبار از این فرض منصرف است باید تیمم نیز به وضوی جبیره‌ای ضمیمه شود.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در رابطه با فرض اول که جبیره تمام یک عضو را فرا گرفته باشد، فرموده است که وظیفه شخص این است که تیمم کند و وضوی جبیره‌ای کافی نیست. دلیل ایشان این است که در این فرض نیز شخص عملاً تمکن از وضو گرفتن [که عبارت از غسلتان و مسحتان باشد]، ندارد و دلیلی مبنی بر کفایت مسح بر تمام یک عضو [که جبیره آن را فرا گرفته است] از مسح یا غسل وجود ندارد، بنابراین، وظیفه شخص از وضو به تیمم منتقل می‌شود. همچنین ظاهر ادله دال بر وضوی جبیره‌ای به موردی مربوط است که جزئی از یک عضو مشکل داشته باشد، نه اینکه تمام یک عضو مشکل داشته باشد و جبیره همه آن عضو را فرا گرفته باشد. ایشان برای سخن خود به روایاتی نیز استناد کرد [که در جلسه گذشته به آنها اشاره شد] و فرمود که از روایات استفاده نمی‌شود که در موردی که تمام یک عضو را جبیره فرا گرفته باشد، احکام جبیره جاری می‌شود، بلکه روایاتی که وارد شده‌اند به موردی که جبیره در بعضی از یک عضو باشد، مربوط می‌شوند.

در اشکال به کلام مرحوم آیت الله خویی (ره) عرض می‌شود که به شخصی که تمام یک عضو او را جبیره فرا گرفته باشد، عرفاً گفته نمی‌شود که قادر بر وضو گرفتن نیست، بلکه آن شخص قادر بر وضو گرفتن است و به همان مقداری که می‌تواند وضو می‌گیرد و مقداری که امکان ندارد را وضوی جبیره‌ای می‌گیرد. شاهد بر این مطلب، روایت کلب اسدی است:

عَنْ كَلْبِ الْأَسَدِيِّ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ كَسِيرًا كَيْفَ يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيَمْسَحْ عَلَى جَبَائِرِهِ وَ لْيُصَلِّ»^۱.

عبارت «فلیمسح علی جبائر» که در روایت مذکور آمده است عضوی را که تمام آن را جبیره فرا گرفته باشد نیز شامل می‌شود و بر این دلالت دارد که مسح بر آن عضو کفایت می‌کند و وضوی او صحیح است.

اشکال مرحوم آیت الله خویی (ره) به استدلال به روایت مذکور

عبارت «فلیمسح علی جبائر» که برای کفایت مسح بر جبیره در فرضی که تمام یک عضو را جبیره فرا گرفته باشد، صورتی را که جبیره تمام اعضا را فرا گرفته باشد نیز شامل می‌شود و باید گفت که در فرضی که جبیره تمام اعضای وضو را فرا گرفته باشد نیز مسح بر جبیره کافی است و وظیفه به تیمم منتقل نمی‌شود، در حالی که گفته شد که در فرضی که جبیره تمام اعضا را فرا گرفته باشد، وظیفه شخص به تیمم منتقل می‌شود و باید تیمم کند و مسح بر جبائر کافی نیست.

پاسخ از اشکال مرحوم آیت الله خویی (ره)

حقیقتاً بین موردی که تمام یک عضو را جبیره فرا گرفته باشد و بین موردی که تمام اعضای وضو را جبیره فرا گرفته باشد، فرق است لذا در فرضی که جبیره فقط یک عضو را فرا گرفته است، شخص می‌تواند نسبت به بقیه اعضای که جبیره ندارند، مأمور به، یعنی وضو را انجام بدهد، اما در فرضی که جبیره تمام اعضا را فرا گرفته است، شخص از انجام مأمور به (وضو) معذور است و هیچ مقدار از مأمور به را نمی‌تواند اتیان کند، در نتیجه، عرض می‌شود که در فرضی که جبیره همه اعضا را فرا گرفته است، وظیفه شخص به تیمم منتقل می‌شود و باید تیمم کند، هرچند که گفته شده است که مقتضای احتیاط [استحبابی] این است که شخص بین تیمم و مسح بر جبیره جمع کند، اما در فرضی که جبیره تمام یک عضو را فرا گرفته باشد و بقیه اعضا جبیره نداشته باشند، وظیفه این است که احکام جبیره در رابطه با عضوی که جبیره دارد، جاری شود و در رابطه با بقیه اعضا به تکلیف عمل شود و اعضای که باید شسته شوند، غسل شوند و اعضای که باید مسح شوند نیز مسح شوند.

مسئله ۵۹۷: «إذا كانت الجبيرة في الماسح، فمسح عليها بدلاً عن غسل المحل يجب أن يكون المسح به بتلك الرطوبة؛ أي الحاصلة من المسح على جبيرة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر جبیره در ماسح [؛ مثلاً دستی که با آن مسح انجام می‌شود] باشد، اگر بدل از غسل، بر آن ماسح، مسح شود [و شخص بخواهد با آن ماسح، مسح کند] واجب است که مسح به وسیله ماسح با همان رطوبتی باشد که از مسح بر جبیره حاصل شده است [و رطوبت خارجی نباشد].

دلیل حکم مذکور، این است که همان‌طور که قبلاً گفته شد مسح باید با رطوبت حاصل از وضو باشد، در نتیجه، در فرض مذکور نیز شخص باید با همان رطوبتی که از مسح بر جبیره حاصل شده و روی جبیره مانده است، مسح را انجام بدهد و نمی‌شود ماسح را که جبیره دارد با رطوبت خارجی مرطوب نماید و سپس مسح را انجام بدهد. روایاتی که در کفایت مسح بر جبائر وارد شده‌اند نیز بر این دلالت دارند که جبیره حکم بشره پیدا می‌کند، یعنی همان‌طور که در فرضی که ماسح جبیره نداشته باشد، مسح با آن مشکل ندارد، در این فرض نیز که ماسح جبیره دارد، می‌توان با رطوبت وضو که بر جبیره ماسح است، موضع مسح را مسح کرد.

مسئله ۵۹۸: «إنما ينتقل إلى المسح على الجبيرة إذا كانت في موضع المسح بتمامه و إلا فلو كان بمقدار المسح بلا جبيرة يجب المسح على البشرة، مثلاً لو كانت مستوعبة تمام ظهر القدم مسح عليها و لو كان من أحد الأصابع و لو الخنصر إلى المفصل

۱. سید محمدکاظم، یزدی طباطبائی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۹.

مكشوفاً وجب المسح على ذلك و إذا كانت مستوعبة عرض القدم مسح على البشرة في الخطّ الطولى من الطرفين و عليها في محلّها»^۱.

به نظر مرحوم سيد (ره)، اگر تمام موضع مسح، جبیره داشته باشد، بر جبیره مسح می‌شود، ولی اگر به مقدار انجام مسح، جبیره نداشته باشد باید مسح بر بشره انجام شود، مثلاً اگر جبیره همه روی پا را گرفته باشد، بر جبیره مسح می‌شود، ولی اگر یکی از انگشتان، ولو انگشت کوچک تا مفصل جبیره نداشته باشد، واجب است که بر آن انگشت مكشوف مسح شود، ولی اگر جبیره عرض پا را فرا گرفته باشد [، مثلاً وسط روی پا را جبیره گرفته باشد] به صورت خط طولى از هر دو طرف [ما قبل جبیره و ما بعد جبیره مسح می‌شود، به این نحو که از سر انگشتان تا جبیره مسح می‌شود و سپس بعد از جبیره تا مفصل مسح می‌شود] و روی خود جبیره نیز مسح می‌شود.

دلیل حکم مذکور این است که مسح بر جبیره در صورتی است که انجام مأثورّه که مسح بر بشره باشد به صورت اختیاری ممکن نباشد که در این صورت وظیفه شخص به بدل مسح بر بشره که مسح بر جبیره باشد، منتقل می‌شود، اما در صورتی که مسح بر بشره وجود داشته باشد باید بر بشره مسح شود و به مقدار ضرورت به مسح بر جبیره اکتفا می‌شود و اگر ضرورتی برای مسح بر جبیره نباشد باید بر بشره مسح شود.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. سيد محمدکاظم، يزدي طباطبائي، العروة الوثقى، ج ۱، ص ۲۵۹.